



شماره ۲۴، سال دوم - مهرماه ۱۳۸۵ برابر با اکتبر ۲۰۰۶

نشریه برونمرزی

جبهه ملی

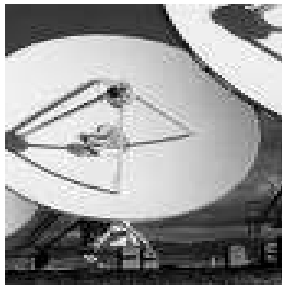
ارگان نیروهای ملی ایران

سرمقاله

دکتر امیرھوشمند ممتاز

هوشنگ کردستانی

رسانه‌های گروهی و مردم سالاری



وحشت سردمداران جمهوری اسلامی از سرنگونی

مسافرت محمد خاتمی رئیس جمهور سابق رژیم اسلامی به آمریکا و سپس سفر نماینده احمدی نژاد به فرانسه، نشان دهنده آن است که تصمیم های احتمالی شورای امنیت سازمان ملل پیرامون تحریم های شدید اقتصادی، سردمداران جمهوری اسلامی را دچار خوف و وحشت کرده است.

بی تردید مسافرت محمد خاتمی به آمریکا و استقبال از او با موافقت مراکز قدرت در جمهوری اسلامی صورت پذیرفته و رئیس جمهور آمریکا نیز با آن موافق بوده است، از این رو، باید پذیرفت که محمد خاتمی حامل پیامی از سوی سردمداران جمهوری اسلامی پیرامون پرونده هسته ای بوده و دولت آمریکا انتظار دریافت آنرا داشته است.

نطق شدید و تند جرج بوش که چند روز پس از ورود خاتمی به آمریکا انجام گرفت و طی آن رئیس جمهور آمریکا، جمهوری اسلامی را بزرگترین دشمن آمریکا دانست و آنرا در ردیف «طالبان» اعلام کرد و نیز اظهار نظر یکی از بلندپایگان دولت آمریکا که گفت «جمهوری اسلامی بانک تروریست هاست» نشان می دهد که محتوای پیام جمهوری اسلامی، انتظاری را که دولتمردان آمریکا داشتند برآورده نکرده است. سخنان رئیس شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی و مسئول پرونده اتمی که بی درنگ پس از نطق جرج بوش اعلام داشت که ما آماده ایم به مدت سه ماه داوطلبانه کار غنی سازی اورانیوم را متوقف کنیم - گر چه توسط سخنگوی وزارت خارجه اسلامی تکذیب شد - تأییدی بر این فرض است.

پیشنهادهای ارائه شده جمهوری اسلامی در مسافرت خاتمی به آمریکا مورد دلخواه و پذیرش دولت آمریکا نبوده است. این سخنان لاریجانی در مورد توقف داوطلبانه بقیه در ص ۵

در نشریه جبهه ملی ایران در خارج از کشور شماره ۲۲، گفتیم که وسائل ارتباط جمعی می تواند یکی از مهمترین راهها و اسباب آموزش مردم سالاری و رسیدن به دموکراسی در جوامعی مانند جامعه ایران باشد و بر اهمیت نشریات، رادیو تلویزیون و کامپیوتر در این رابطه اشاره شد. اکنون به دنباله مطلب و وضعیت این وسائل در ایران و خارج از ایران می پردازیم. باشد که با باز نمودن این بحث، دست اندرکاران و صاحب نظران عنایتی کنند و بررسی ها و نظریات خود را مطرح نمایند.

برنامه های تلویزیونهای فارسی را در خارج از کشور، بطور کلی به دو گروه می توان تقسیم کرد:
بقیه در ص ۵

در این شماره می خوانید:

- وحشت سردمداران جمهوری اسلامی از سرنگونی هوشنگ کردستانی
- رسانه های گروهی و مردم سالاری دکتر امیرھوشمند ممتاز
- یادبود قتل عام زندانیان سیاسی تابستان ۱۳۶۷ با توجه به شرایط بشدت بحرانی ...
- بیانیه جبهه ملی ایران
- پیک شعری از علی فکری
- چگونه می توان از نظم استبدادی در ایران عبور کرد علی فکری
- پیمان ما وفاست بیانیه دبیرخانه حزب ملت ایران
- یگانه راه برون رفت از فاجعه کنونی ... جهانگیر لغایی
- فریاد شعری از زنده یاد مهدی اخوان ثالث

ایران متعلق به همه ایرانیان است

روز جمعه ۱۰ شهریور ۱۳۸۵، خانواده های داغدیده یاد عزیزان خود را که در قتل عام خونین تابستان ۶۷ جان خود را از دست داده اند، در گلزار خاوران گرامی داشتند.

مادر لباس ها را گرفت و گفت: هفت سال مرا از کرج به اوین کشانیدید و هر بار پرسیدم، دخترم کی آزاد می شود؟ گفتید، بزودی. حالا بی آنکه نشانی گورش را بدهید، تنها لباس هایش را تحویل می دهید!

لباس های او را بر آستانه در خانه مان آویزان می کنم تا یادمان نرود شما با ما چه کردید.

کانون جوانان پژواک فراخوانی را به همین منظور منتشر کرده بود که قسمتی از آن را در زیر می خوانید.

در سالگرد قتل عام خونین تابستان ۶۷ و برای گرامی داشت یاد آن عزیزان گرد هم می آئیم. با شمع در دست و سرود آزادی بر لب ...

آری، همانها که بی نام و آوازه و در نبردی نابرابر، با شعار "زنده باد آزادی" قیمت مقاومت و شرف خود را با خون خویش پرداختند. قهرمانان و پیشگامان آزادی که دست از جان شستند و با آغوشی باز رنج سالها اسارت و داغ شکنجه و اعدام را پذیرفتند.

از این عزیزان ۳۸ درصد حلق آویز شده اند، ۴۸ درصد را تیرباران کرده اند و ۱۴ درصد بقیه به صورتهای مختلف از جمله در اثر شدت شکنجه، زجرکش، انفجار در زندان و حلق آویز در ملاءعام به شهادت رسیده اند. اما "صدایی هرگز شنیده نشد" می گویند هنوز شب است منتظر صبح بمانیم تا کاری کنیم کارستان ولی ما می خواهیم از همین امشب کاری کنیم کارستان، با شما عزیزان و یاران. ما تنها نیستیم.

درود بر شهدای سرفراز قتل عامهای سال ۶۷

کانون جوانان پژواک، ۸ شهریور ۸۵

یگانه راه برون رفت از فاجعه کنونی، ... بقیه از ۷ شوند، بعلاوه منابع و معادن دیگری مانند مس، آهن، آلومینیوم و غیره. کشوری با این همه امکانات طبیعی و نیروی کار جوان - ۷۵٪ جمعیت زیر چهل سال - متأسفانه از نظر اقتصادی و اجتماعی در یک وضعیت فاجعه آمیز و اسفبار بسر می برد. بیکاری، فقر و فساد در تمامی ابعادش از حد تصور گذشته است. تمامی اینها ناشی از استبداد و نظام دیکتاتوری جمهوری ←

علی فکری

پیکی

پیکی ز دیوار سکوت آمد بر این تن خسته
گفتا چه نشستی که دل در تپش خون نشسته
گفتا که دیوار سکوت در همه جا سایه افکند
آواز بهاری را خزان برد در بند
باران بلا بر در هر خانه خراب شد
خواب در شب منحوس به هر چشم حرام شد
گفتا که فناری در وحشت سرما لب ها را دوخته
آن خرمن گندم در آتش خشم خدایان سوخته
گفتا چه نشستی که جان آمده بر لب
برخیز و رها شو تو از دست بد شب

اسلامی است. از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی تا به امروز، یعنی حدود ۲۷ سال جمهوری اسلامی تنها از محل صادرات نفت ۸۰۰ میلیارد دلار بدست آورده - پول صادرات گاز در این محاسبات منظور نشده است - در حالیکه از زمان قرارداد داریسی تا زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی حدود ۱۳۰ میلیارد دلار، از محل فروش نفت عاید ایران گردیده بود. با این مقایسه مختصر می توان دریافت که رژیم اسلامی چگونه منافع ملی ملت ایران را نابود و فنا کرده و می کند.

درآمد سرانه ایران ۱۶۸۰ دلار (قبل از گران شدن نفت) بود، در حالیکه درآمد سرانه لبنان دو برابر و اسرائیل ۱۰ برابر ایران می باشد.

متأسفانه در آستانه دو قرن سرنوشت ساز، ایران دچار دو حکومتی شد که برایش فاجعه بار بود. در آستانه قرن بیستم کشورمان گرفتار سُرُره بازی ناصرالدین شاهی بود که مملکت را به سرایش سقوت بردند و در آستانه قرن بیست و یکم در چنگال حکومت جمهوری اسلامی افتاد که تمامی فکر و توجه اش به این است که موی سرخانم ها از زیر روسری بیرون نباشد و یا اینکه آستین ها بالا نرود. بدین شکل جامعه ایران را به قهقرا بردند که جبران آن به سادگی میسر نخواهد بود. مجموعاً ۵۷ کشور اسلامی جهان حدود ۲۰۰۰ میلیارد دلار درآمد ناخالص داخلی دارند. یعنی یک ششم درآمد ناخالص داخلی آمریکا - آمریکا ۱۱۶۶۸ میلیارد دلار درآمد ناخالص داخلی دارد و آلمان ۲۷۱۴ میلیارد دلار - یعنی این ۵۷ کشور مسلمان به رویهم هنوز ۷۱۴ میلیارد دلار کمتر از آلمان درآمد ناخالص داخلی دارند.

تنها راه نجات و یگانه راه برون رفت این کشورها از وضعیت فاجعه آمیز کنونی، استقرار دموکراسی است و باید استبداد و دیکتاتوری، این دشمن سرسخت پیشرفت و ترقی را به گور سپرد. **

همکاری با حاکمان جمهوری اسلامی، ضدیت با ملت ایران است

با توجه به شرایط بشدت بحرانی منطقه که بر آند آنها با مسئله غنی‌سازی اورانیوم پیوند دهند و ضربه‌های ویرانگری به کشور وارد سازند، منافع ملی تعلیق غنی‌سازی را ایجاب می‌کند.

سرانجام جنگ خونین و ویرانگر لبنان با اعلان آتش بس به پایان خود رسید و در عمل با استقرار ارتش لبنان و نیروهای حافظ صلح زیر فرماندهی ایتالیا در روزها و هفته‌های آینده در جنوب رودخانه لیتانی، اسراییل و آمریکا به خواست عمده خود برای عقب راندن نیروهای حزب‌الله از جنوب لبنان دست یافتند. یک روز بعد از اعلان آتش‌بس، رییس جمهور آمریکا در یک سخنرانی صریح و بی‌پرده، ایران را به عنوان تجهیز کننده و تحریک کننده اصلی حزب‌الله و عامل همه ویرانگری‌ها در لبنان معرفی کرد.

او باصراحت گفت: «رژیم ایران حمایت مالی، سلاح و آموزش را برای حزب‌الله فراهم میکند ... ایران بروشنی اعلام کرده است که نابودی اسراییل را خواستار است. فقط می‌توان تصور کرد این درگیری چه اندازه خطرناکتر می‌شد اگر ایران آن سلاح هسته‌ای را که دنبالش است در اختیار می‌داشت. وظیفه نه تنها آمریکا و بلکه جهان این است که مستمراً به ایرانی‌ها الزاماتشان را مبنی بر عدم توسعه برنامه تسلیحات هسته‌ای و عدم تقویت تروریسم و ارتقای آن تکرار کنند.»

افزون بر آن، مهمترین رسانه‌های عرب زبان مطرح در دنیا، چون: شرق الاوسط، الاهرام، الجمهوری (ارگان دولت مصر)، الایام (به اعتباری ارگان دولت خودمختار فلسطین)، الوطن (چاپ عربستان)، عرب تایمز (چاپ کویت) و ... همه و همه نیز یک صدا لبه تیز تیغ حمله را متوجه ایران ساختند و اعلام داشتند که تهران و دمشق حزب‌الله و حماس را برای بازی در صحنه معادلات سیاسی به بازی گرفتند. «عبدالرحیم علی» مدیر مرکز عربی مطالعات اسلام و دموکراسی در الاهرام نوشت: همزمانی اقدامات حزب‌الله با ارجاع مجدد پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، اثبات کننده دست داشتن ایران در این بحران است. ایران در پرونده هسته‌ای خود از لبنان، فلسطین و عراق به عنوان برگهای برنده استفاده می‌کند. ارگان دولت مصر با وجود سفرهای پی در پی مقامهای سیاسی ایران به مصر برای جلب نظر آن کشور، این چنین در برابر ایران موضع می‌گیرد: «حزب‌الله و حماس عاملان ایران اند. ایران و آمریکا نبردی را با یکدیگر آغاز کرده‌اند که بازیگران آن اعراب هستند. هیچ یک از طرفین نمی‌خواهند در این بحران دستان خود را آلوده کنند. بنابراین، ترجیح می‌دهند اعراب را قربانی نبرد منافع خود کنند.»

رسانه‌ها اعلام داشتند که دولت ترکیه در تمام مدت نبرد تسهیلات لازم را برای فرستادن موشکهای هوشمند آمریکا به اسراییل در اختیار آن دولت قرار داد.

موضع‌گیریهای تند انگلیس و فرانسه در آغاز نبرد فرانسه را نیز بخاطر داریم. از سوی دیگر، می‌دانیم که پس از چندماه گفتگوهای تنگاتنگ و باج‌دهی به روسیه و چین، سرانجام هر دوی آنها در کنار سه دولت آمریکا، انگلستان و فرانسه قرار گرفتند و همگام با آلمان قطعنامه شورای امنیت را علیه ایران صادر کردند. حاکمان جمهوری اسلامی که برای پاسخگویی به «بسته» پیشنهادی، سیاست وقت‌کشی را در پیش گرفتند، هیچگاه تصور آنها نداشتند که قدرتهای جهانی صاحب حق و تو در اجماعی همه جانبه با تصویب قطعنامه آنها را در بن بست قرار دهند. ولی واقعیت اینست که زمان کوتاهی در پیش است و با توجه به سخنان بر قدرت نشستگان جمهوری اسلامی بعید به نظر می‌رسد که شورای امنیت بجز تعلیق غنی‌سازی هیچ پاسخ دیگری را از آنها بپذیرد.

موضع‌گیریهایی که در بالا بدان اشاره رفت این نگرانی شدید را در جامعه پدیدار ساخته که قطعنامه بعدی شورای امنیت لحن بسیار تندتری داشته باشد و در آن، افزون بر تحریم‌های احتمالی اقتصادی، زمینه‌سازی‌هایی برای برخوردهای بازدارنده نظامی یکجانبه آمریکا در نظر گرفته شود. اگر بر این باور باشیم که آمریکا در شرایط موجود خاورمیانه پذیرای خدشه وارد گشتن بر سیاست برتری طلبانه اش نخواهد بود، می‌توان استنباط کرد که موضع‌گیری‌های شدید بوش، در فردای پس از اعلان آتش بس، علیه ایران را به عنوان یک تهدید گذرا نباید تلقی کرد و با توجه به اظهار نظر «سیمور هرش» درباره جنگ لبنان به عنوان یک «رزمایش آزمونی» به منظور هدف قرار دادن شماری از مراکز حساس ایران، باید بشدت نگران برخوردی ویرانگر بود که می‌تواند حتا بدون حضور نیروی زمینی همه چیز را درهم بکوبد. پدیده دردناکی که بنظر می‌رسد، برای بخشی از حاکمیت به عنوان فرصت برای تثبیت و ادامه حکومتشان تلقی بگردد و آنها نعمت بشمارند.

جبهه ملی ایران به ملت ایران هشدار می‌دهد که خطر را دست کم نگیرند و اجاز ندهند تا جماعتی قدرت طلب این سرزمین را به آتش بکشند. ما بر این باوریم که با توجه به حساسیت شدید منطقه و موضع‌گیریهای همه جانبه کشورهای منطقه و قدرتهای فراسوی آن در برابر حاکمان ایران، وقت آن رسیده است تا با تشکیل «کنگره نجات ملی» با شرکت نیروهای مورد اعتماد ملت، شرایطی فراهم آید که بتوان از راه سازمان ملل، گامهای بلند و موثری برای تفاهم و تعامل با کشورهای منطقه و قدرتهای جهانی برداشته شود. باشد که جو بشدت بحرانی موجود دگرگون گشته یکپارچگی و استقلال کشور از هرگونه خطری مصون بماند و میهنمان به ویرانی کشیده نشود.

چگونه می توان از نظم استبدادی در ایران عبور کرد (بخش اول)

در حالی که خواست پایان بخشیدن به نظم استبدادی در ایران می رود تا به یک درخواست عمومی مبدل گردد و نظام استبدادی در عمیق ترین بحران سیاسی، فرهنگی، اقتصادی خود را گرفتارتر از همیشه می یابد این پرسش که چگونه می توان از نظم استبدادی در ایران عبور کرد جامعه روشنفکری ایران را بیش از هر زمان دیگری به خود مشغول کرده است. برای این که بتوان پاسخی مناسب برای پرسش بلا یافت، باید نخست تعریف دقیقی از استبداد به دست داد و سپس پیرامون ضرورت عبور از آن به بحث نشست. من در این نوشته می گویم تا ضمیم به دست دادن تعریفی از استبداد به بررسی بحران پدید آمده در آن پرداخته و ضرورت عبور از آن را نیز مورد بررسی قرار دهم و سرانجام تلاش خواهم کرد تا پاسخ های تاکنون داده شده به پرسش بالا را نیز بررسی کنم.

استبداد چیست؟

هنگامی که از استبداد سخن می گوئیم، مراد نظمی است که در آن انسان نه دارای حق، بلکه مکلف است. به زبان دیگر، در نظم استبدادی انسان دارائی هیچ گونه حقی برای اعمال نظر بر سرنوشت خود و جامعه ای که در آن زندگی می کند نمی باشد. برخلاف پندار بسیاری از مردم، استبداد صرفاً یک پدیده سیاسی نیست، بلکه استبداد را باید نظم دانست که بر همه تار و پود جامعه در عرصه های مختلف حاکم می باشد. بنابراین، همان گون که دولت های استبدادی فرهنگ استبدادگر را رشد می دهند فرهنگ استبدادگر نیز زمینه ای مناسب را برای پدید آمدن و تداوم دولت های مستبد مهیا می کند. اگر بپذیریم که استبداد نظمی است سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، در آن صورت ناچار از قبول یک مبارزه همه جانبه با آن می باشیم. با توجه به توضیحاتی که داده شد اکنون بهتر می توانیم بحران موجود در جامعه ایران را بشناسیم. اکنون به این سؤال می پردازم که بحران کنونی در جامعه ایران چیست و کدام عوامل در شکل گیری آن دارای نقش مهمی بوده اند؟

هنگامی که از بحران در یک جامعه سخن می گوئیم، مراد این است که نظم حاکم بر آن، کارایی خود را از دست داده و دیگر قابل پذیرش برای توده ها نمی باشد. با توجه به این تعریف می توان جامعه ایران را جامعه ای بحران زده ارزیابی کرد. در یک نگاه کوتاه می توان دید که چگونه هنجارهای اجتماعی حاکم توسط بخش بزرگی از مردم از جمله جوانان و زنان به چالش کشیده می شود. شکل گیری گروه های اجتماعی خودسازمان یافته نیز یکی دیگر از ویژگی های بحران در جوامع استبداد زده می باشد. بحران کنونی نه تنها نظام اسلامی را فلج کرده و در معرض فروپاشی قرار داده است، بلکه گروه های سیاسی مخالف آن را در درون و بیرون کشور نیز سخت به چالش فکری کشیده است. در چنین شرایطی نه تنها سران

رژیم اسلامی قادر به درک بحران و پاسخ گویی به نیازهای جامعه در حال تولد نیستند، بلکه سران بسیاری از سازمان های مخالف، نیز بجای درک عمیق بحران، آن را به بحران رهبری تنزل می دهد. همه کسانی که از بحران رهبری سخن می گویند از خود نمی پرسند که چرا آن ناجی ای که آنان منتظرش نشسته اند یا به میدان نمی گذارند؟ بنظر می رسد که اینان قادر به درک گسست جامعه از فرهنگ سیاسی حاکم نیستند. شاید جامعه ایران از جمله نادر جوامعی باشد که برای نخستین بار بسیاری از مردمش پیشتر از غالب روشنفکران و فعالان سیاسی اش می باشند و شاید همین امر منجر به دگرگونی در مناسبات جامعه با مراجع سنتی از جمله روشنفکران شده باشد. اگر بخواهیم از این بخش نتیجه ای را به دست دهیم، می توان گفت که نه تنها حکومت اسلامی مشروعیت خود را از دست داده است بلکه سایر مراجع دیگر اجتماعی مانند احزاب سیاسی نیز دارای مشروعیت چندانی در جامعه امروز ایران نمی باشند. همچنین می توان از به چالش کشیدن هنجارها و ساختارهای پدسالارانه حاکم بر اجتماع سخن گفت. در اینجا باید خاطرنشان کرد هیچ یک از آنچه را که برشمردیم به تنهایی نمی تواند دلیلی بر بحرانی بودن جامعه باشد. ما وقتی قادر خواهیم بود از بحران در جامعه ای سخن بگوئیم که هنوز مراجع و مدل هایی جدید در مقیاس اجتماعی متولد نشده باشد. از آنجا که هنوز در ایران مدل ها و گفتمان های تازه در مقیاس اجتماعی پدید نیامده است، می توان آن را جامعه ای بحران زده نامید.

عوامل شکل گیری بحران در ایران!

قیامی که منجر به سقوط سلطنت پهلوی و قدرت گیری اسلامی گرایان در ایران شد هر چند که نتوانست به نظام استبدادی پایان دهد، اما خالی از دستاورد نیز نبوده است. مهم ترین دستاورد قیام را می توان آغاز موجی تازه از بیداری در جامعه نامید. پس از شکست قیام بهمن و بازتولید سرکوب خشن توسط ملایان حاکم نویی از خانه تکانی فکری در میان بخش های گوناگون جامعه و طیف های مختلف سیاسی آغاز گشت. آغازی که منجر به شروع روند جدیدی در ایران شد. این روند تازه را می توان گذار از جوامع توده ای به جوامع تفکیک شده نامید. شکل گیری گروه های اجتماعی گوناگون و گسترش تدریجی آن، خبر از آغاز روند خودباوری در ایران را می دهد. نشانی که گویان نه حکومت گران و نه جریانات سنتی مخالف نظام اسلامی هیچ کدام قادر به درکش نیستند. شاید همین عدم درک از اعتبار مراجع سنتی به گونه ای چشمگیر کاسته باشد. علاوه بر شکست قیام بهمن عوامل دیگری چون پیدایش گروه های اجتماعی جدید، ادامه مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ، گسترش رسانه های همگانی و تحولات اقتصادی پس از جنگ نیز در رشد آهنگ گذار از فرهنگ استبدادی به فرهنگ خودباوری دارای نقش مهمی بوده اند. اکنون به پرسش آغازین بحث باز می گردیم و پاسخ هایی را که تاکنون به این سؤال داده شده اند به اجمال بررسی خواهیم کرد. اگر از اپوزیسیون استبدادی بگذریم که همچنان بر طبل خود می کوبد و به دلیل عدم پایگاه در میان مردم در انتظار کمک ارتش آزادی بخش آمریکا نشسته است، ما در حال حاضر با سه گرایش عمده و پاسخ گوناگون در جامعه ایران مواجه می باشیم.

ادامه دارد

رسانه های گروهی ...

بقیه از ص ۱
گروهی که هیچگونه برنامه آموزشی در رابطه با مردم سالاری ارائه نمی دهند و برنامه های آنها اکثراً سرگرم کننده و تفریحی و تبلیغاتی است. تعدادی دیگر، علاوه بر برنامه های فوق الذکر، ساعاتی از وقت خود را به اخبار، گزارشها و تحلیل حوادث سیاسی روز اختصاص می دهند که همراه است با حملات مبارزاتی به جمهوری اسلامی، بیان خرابکاریها و دزدیها در جمهوری اسلامی و یا شعارهای سیاسی.

در لابلای برنامه های مذکور، گاهگاهی، سخنرانی در دو یا سه کانال تلویزیونی ثابت و معین در اثنای بررسی حوادث سیاسی روز و حوادث تاریخی، به موضوع مردم سالاری هم اشاراتی دارند. وضع برنامه های رادیویی فارسی در خارج از ایران نیز بهمین ترتیب است.

یکی از علل اصلی این موضوع آنستکه کانالهای تلویزیونی فارسی در خارج از ایران، عموماً خصوصی است و باید بیننده کافی داشته باشند تا مخارج خود را تأمین کنند و چون بینندگان و علاقمندان این کانالها، از برنامه های جنجالی سیاسی بیشتر استقبال می کنند. آنان هم برنامه های خود را مطابق ذائقه و میل اکثر ایرانیان خارج از کشور و اطراف خود تنظیم می نمایند.

در درون ایران، برنامه های تلویزیونی و رادیویی، از لحاظ آموزش مردم سالاری، اکثر بر عکس عمل می کنند. باین ترتیب که آنچه برنامه های تلویزیونی برای آموزش مردم نامیده می شود مغایر با موضوع مردم سالاری است و برنامه های آنان همراه با خرافات و آموزش دیکتاتوری بشکل غیر مستقیم است و تا مخلوط کردن دین و دولت دیکتاتوری مذهبی را ترویج و آموزش می دهند.

در مورد کامپیوتر و آنچه در سایتهای مختلف می توان یافت بجز اخبار و تحلیل های سیاسی گوناگون، مقالاتی در رابطه با موضوع دمکراسی می توان یافت کم و بیش از این لحاظ نسبت به برنامه های رادیو تلویزیونی امیدوارکننده تر است. اما این وسیله در دسترس توده مردم خصوصاً در درون کشور نیست. البته در آینده که کامپیوتر کم کم بر منازل راه پیدا می کند امید بیشتری بدان هست.

حال آنچه باقی می ماند و بیش از سایر وسائل ارتباطی مورد استفاده مردم و در دسترس است. روزنامه، مجله، کتاب و سایر نشریات گوناگون است که در ایران، توده مردم خصوصاً جوانان و دانشگاهیان با آنها سروکار دارند، در خارج از ایران نیز بیشتر قابل استفاده است. لذا باید فعالان سیاسی و احزاب از این طریق، بیش از پیش سعی کنند جوانان را تشویق به خواندن و نوشتن می کنند.

امید است این مختصر اظهار نظر درباره رابطه با وسایل ارتباط جمعی و مردم سالاری بحثی را باز کند تا صاحب نظران و عاشقان دمکراسی و آزادی نظر دهند و بیش از پیش از طریق میزگرد و سمینار و بررسی و تحقیق در این باره بگویند و بنویسند. استبداد و فردپرستی در فرهنگ و عادات و رسوم ملی و مذهبی ما ریشه دارد، همینطور در سایر ملل جهان سوم و خصوصاً کشورهای باصطلاح اسلامی. لذا در این زمینه هر چه گفته و نوشته شود کم است و جوانان بدان نیاز بسیار دارند و از آنچه که دنیای پیشرفته جهت برقراری مردم سالاری و حفظ آن استفاده کرده و می کنند، مردم ما اغلب بی خبرند و ناآگاه به اصول و قواعد آن.

در شماره آینده این نشریه موضوع احزاب، انجمن ها و گروه های سیاسی در رابطه با مردم سالاری را دنبال می کنیم. ♦

وحشت سردمداران جمهوری اسلامی ...

بقیه از ص ۱
غنی سازی اورانیوم را باید عقب نشینی باز هم بیبشتر جمهوری اسلامی به حساب آورد.

مسافرت خاتمی به آمریکا، پیشنهاد علی لاریجانی و تکذیب آن توسط سخنگوی سابق وزارت خارجه اسلامی و سفر شتاب زده نماینده احمدی نژاد به فرانسه، نشان می دهد که پیرامون مسئله اتمی میان جناح های قدرت در حاکمیت اسلامی دیدگاه واحد و یکسانی وجود ندارد.

سران جمهوری اسلامی بخوبی آگاهند که نه تنها دارای پایگاه مردمی نیستند بلکه، اکثریت قریب به اتفاق مردم مخالف نظام هستند. از این رو، می کوشند از هواداران مسلمانان سایر کشورها به ویژه کشورهای عربی برخوردار گردند. سخنان نابخردانه و به دور از شیوه های سیاسی رئیس جمهور اسلامی در مورد حذف اسرائیل از صفحه جغرافیای جهان و حمایت های اغراق آمیز مالی و تبلیغاتی از حماس و حزب الله لبنان و دیگر جریانهای تندرو اسلامی را تنها در این راستا می توان توجیه کرد.

با این وجود سردمداران اسلامی بخوبی آگاهند که صرف داشتن هوادار در میان سایر کشورهای مسلمان نمی تواند پایه های لرزان حکومت آنها را حفظ نماید و این مردم ایران هستند که با تکیه بر قدرت ملی، سرنوشت و آینده جمهوری اسلامی را تعیین کرده و رقم خواهند زد.

افزون بر آن، پیرامون بقا و بود و نبود جمهوری اسلامی نیز میان جناحهای آن، دو تفکر و دیدگاه متضاد و متفاوت وجود دارد: یک تفکر معتقد است که آتش افروزی و تا پای یک برخورد نظامی پیش رفتن به صلاح بقای نظام نیست و تفکر دیگری که معتقد است هر نوع برخورد نظامی باعث می شود مردم پشت سر نظام قرار گیرند و این بسود بقای آنهاست و جنگ هشت ساله میان ایران و عراق را مثال می آورند. گفته ها و نوشتارهای برخی از شخصیت های سیاسی اپوزیسیون در این که چنانچه جنگی درگیرد ما در کنار نظام قرار می گیریم، به توهم این گروه دامن می زند.

گمان می رود اکنون تفکر نخست توانسته باشد دارندگان تفکر دوم را متقاعد کند که برخورد نظامی و حتی تحریم های اقتصادی بسود بقای نظام نیست. پیام ارسالی توسط خاتمی برای دولتمردان آمریکا و نیز پیام احمدی نژاد برای ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه - گر چه نشان دهنده ادامه مبارزه قدرت میان جناح هاست - بیان کننده آن نیز هست که سردمداران اسلامی اکنون به این نتیجه رسیده اند که ادامه پافشاری روی غنی سازی اورانیوم بسود آنها نیست و آنها را با قدرت های بزرگ درگیر خواهد کرد.

پنج کشور دارنده حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل بعلاوه آلمان، در هر زمینه ای هم که اختلاف منافع سیاسی و

بقیه در ص ۸

ای آفریدگار پاک

ترا پرستش می کم و از تو یاری می جویم

برابر بیشتر و دادن شعارهای بدون از واقعیت و ایجاد بی‌اعتمادی و دشمن سازی در تمام جهان.

هم میهن

مردم سرخورده از حکومتگران گوناگون پیشین پنداشتند دولت جدید خواهان تغییر وضع به سود آنهاست، به امید وعده های انتخاباتی در کاستن از بیکاری و تورم و رفع بگبر و ببندها به انتظار نشستند، نه در جنگیدن با جهان بهر قیمت و فرصت سوزی ها و از بین رفتن مزیت های نسبی میهن مان. تا کی باید عده ای را گرد آورد و با شعار سرگرمشان کرد؟ چه وقت به سازندگی و توسعه کشور نه در روی کاغذ که در واقعیت باید پرداخت. امروز دیگر دوران طرح های تهاجمی از کیسه ملت به سر آمده است.

امروز برای همکاری مشترک ملی نمی توان مردم را با شعارهای تخیلی سرگرم کرد. امروز جز با دادن آزادی های سیاسی - مدنی اجرای مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و تحقق زیربنای جامعه مدنی و ایجاد نهادهای گوناگون مدنی و سرمایه گذاری های زیربنایی راه دیگری وجود ندارد. امروز تعامل با جهان در راستای سیاست تنش زدایی با حفظ منافع ملی به افراد شایسته و کارآموده نیازمند است. امروز بدون تعامل با جهان آنهم از موضع برابر نمی توان انتظار تغییر در موقعیت قربانی شدن را داشت. امروز تنش ها و ناهمخوانی های جامعه معلول تضاد بین استبداد و دموکراسی است تا این تضاد به سود ملت حل نشود، در بر همین پاشنه خواهد چرخید و با فشار و زندان حل نخواهد شد.

امروز در سالروز بنیاد بیاید از کشورهای ایرانی تبار حوزه فرهنگی نوروغ غافل نشویم. با ایجاد و تأسیس اتحادیه ها و همکاری منطقه ای بین یکدیگر در زمینه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در راستای هر چه بیشتر نزدیک شدن گام برداریم بدون آنکه آنها را وادار کنیم همچون ما بیاندیشند، بلکه در کمال استقلال بر کشور به ایجاد کنفدراسیون های منطقه ای اقدام کنیم.

هم میهن

برای برون رفت از این شرایط باید بیش از هر چیز متکثر و درازمدت اندیشید و راه حل های ادعایی کوتاه مدت، بی شک غلط و سرابی بیش نیستند. آنچه نیازمند آنیم واقع بینی و خود را برتر ندانستن است.

درازمدت فکر کنیم و از نسیان تاریخی دست بکشیم. تلاشی منطقی در بازبینی تاریخمان بکنیم. بدانیم فرایند خشونت آمیز درونی و برونی از سوی هر کس و نهاد و کشوری وضعیت را بدتر و بحرانی تر خواهد کرد. حزب ما به فرخندگی سالگرد خجسته روز بنیاد در پیشگاه فرزندان «این گهن بوم و بر» پیمان می سپارد تا استقرار مردم سالاری که در پرتو آن ایران زمین یکپارچگی و آزادی و آبادی را باز یابد به مبارزه آزادیخواهانه خود ادامه دهد.

برقرار باد سامان مردم سالاری

دبیرخانه حزب ملت ایران، تهران، ۱۵ شهریورماه ۱۳۸۵
خورشیدی

پیمان ما وفاست**هم میهنان**

پانزدهم شهریورماه روز بنیاد است. ۵۹ سال پیش در هنگامه ای این چنین عده ای جوانان میهن پرست که به ایران، استقلال و آزادی می اندیشیدند، با درک جدید از شرایط اجتماعی امروز و وجود سربازان بیگانه اشغالگر در میهن و دخالت های استعمارگران و استبداد وابسته در زندگی ملی را تاب نیاوردند و به تأسیس مکتبی همت گماردند که آنرا به راستی می توان مکتب تلاش برای رهایی و وحدت ایران زمین (پان ایرانیسم) نام نهاد.

چهار سال بعد پرورش یافتگان این مکتب پس از چیرگی بر نفاق های استبداد ساخته، سرانجام در یکم آبانماه ۱۳۳۰ حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم را پی افکندند.

از آن پس، حزب ملت ایران به رهبری روانشاد داریوش فروهر با تکیه بر جهان بینی ملت گرایانه و پیروی از رهنمودهای دکتر محمد مصدق به مبارزه و روشنگری در راستای حاکمیت ملت، منافع ملی و نگهداشت دستاوردهای تاریخی ایرانیان همت گماشت و به رغم کودتای ساخته و پرداخته استعمارگران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از هیچگونه تلاشی برای برآوردن آرمانهای میهنی باز نایستادند.

از آنزمان ملت گرایان پانزدهم شهریور را روز بنیاد نام نهادند، تایادآور پیام و هشدار باشند بر آنانکه میهن شان به نیرنگ دشمنان و ناکارآمدی حاکمان، تجزیه شده تا با چشمان باز به آینده میهن کهنسال خود بیاندیشند. این غرور را که سرآغاز دور جدیدی در مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری ملت ایران است به تمامی ایرانیان که به آزادی و استقلال ایران می اندیشند شادباش می گوئیم.

هم میهن

اکنون ما هستیم و آینده میهن مان. ما در حزب ملت ایران نسبت به مخاطره آمیز بودن شرایط و مواضع کاربدستان و رفتار واکنشی، احساسی، بی برنامه و لحظه ای که سرنوشت و امنیت کشور را با خطر جدی روبرو کرده است، هشدار می دهیم که: محافل جنگ طلب آمریکا اسرائیل با دست آویز قرار دادن این بی سیاستی ها و موضع گیری های تحریک آمیز، همکاری و اجماع بین المللی را برای اعمال فشار و اقدام نظامی علیه ما آماده می کنند. دولتهای چین و روسیه همچون سوریه و پاره ای کشورهای عرب که از خوان گسترده میهن ما بهره برده اند و در بزنگاههای ضروری ما را رها کرده اند، هر یک به سبک خود سر بر آستان آمریکا خواهند سائید اغفالمان نکنند.

امروز باید به این باور برسیم که بزرگی و اقتدار ایران و بزرگترین و مؤثرترین عامل دفاع ما در گروی ایجاد ایرانی متکثر، ناوابسته، آزاد، آباد، مردم سالار و به دور از تبعیض های قومی و جنسی و در ریشه کن کردن فقر، بیکاری، دروغ پردازی، سقوط ارزش های اخلاقی و رفع نابرابری هاست، نه در داشتن جنگ افزارهای از رده خارج شده آنهم به قیمت های ده

درآمد نفت باید صرف ایجاد کار، تولید و افزایش ثروت ملی گردد

جهانگیر لغایی

یگانه راه برون رفت از فاجعه کنونی، به گور سپردن دیکتاتوری است

در سال ۱۸۴۶، فردریک پاستیا اقتصاددان فرانسوی طرفدار بازار آزاد، در مقاله‌ای آرزو کرد کاش روزی برسد که تمام ملت‌های دنیا مرزهای خود را از میان بردارند. این آرزو در آن زمان رمانتیک بنظر می‌رسید ولی امروز پس از گذشت ۱۶۰ سال، جهانی شدن واقعیتی است که به وقوع پیوسته و حرکتش را آغاز نموده است. باید گفت، بالا رفتن چشمگیر استانداردهای زندگی بشر، به دلیل فروریختن مرزهای میان کشورهاست.

متأسفانه شماری از سیاستمداران و نیز بخشی از توده مردم هنوز هم متقاعد نشده‌اند که بی‌مرزی باعث تغییر و تحویل مثبت در جامعه است. تجربه ثابت کرده که به مرور زمان این گونه مخالفت‌ها بی‌رنگ و بی‌رنگ‌تر خواهد شد، زیرا جهانی شدن آنقدر دارای بار مثبت برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و کاهش فقر است که مخالفت با آن نهایتاً منجر به شکست خواهد بود. اگر مدیریت جامعه از امکانات و پتانسیل‌هایش بدرستی و همگام با زمان بهره‌برداری نماید بطور قطع گامهای ترقی و پیشرفت بسیار سریع و بلند خواهد شد.

مهمترین و اساسی‌ترین عامل ترقی و پیشرفت، انسان است. امروز پشتوانه هر کشوری مغزهای آن کشورند. این مغزها هستند که موتور واقعی توسعه و پیشرفت می‌باشند، بهمین علت ابتدا از مسئله جمعیتی آغاز می‌کنیم، ولی پیش از آنکه به منطقه خاورمیانه بپردازیم، لازم است نگاهی کوتاه به آمار جمعیتی جهان از گذشته تا کنون بیندازیم.

بر اساس برآوردهای علمی که از طرف بخش جمعیت‌شناسی سازمان ملل متحد بعمل آمده است، جمعیت جهان در سال یکم میلادی یعنی ۲۰۰۵ سال پیش ۱۷۰ میلیون تن بوده و اول سده پانزدهم به ۳۵۰ میلیون تن رسیده است. ابتدای قرن بیستم، ۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون و در پایان سده بیستم ۶ میلیارد تن جمعیت کرهٔ خاک را تشکیل می‌دهد.

تفاوت جمعیت که طی پانزده قرن تنها ۱۸۰ میلیون و در طی یک قرن یعنی اول قرن بیستم تا اول قرن بیست و یکم، ۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تن بوده است، بی‌انگیز آنست که استانداردهای زندگی بشر بالا رفته و فقر کاهش پیدا کرده است. البته به این معنی نیست که فقر به طور کامل از میان رفته بلکه، راه درازی در پیش است. در حال حاضر هر روزه ۴۰ هزار تن در جهان در اثر گرسنگی از بین می‌روند ولی این رقم در مقابل ارقام قرن‌های پیش بسیار کاهش یافته است.

با این مقدمه، بر می‌گردیم به مسئله جمعیتی خاورمیانه. ابتدا ۹ کشور خاورمیانه: ایران، عربستان سعودی، یمن، عراق، سوریه، اردن، عمان، کویت و امارات متحده عربی را بررسی می‌کنیم. در سال ۲۰۰۰، مجموع جمعیت این ۹ کشور بالغ بر ۱۵۶،۳۵۰،۰۰۰ تن بوه است. بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۵۰ این رقم به ۳۵۰،۳۵۷،۰۰۰ افزایش خواهد

یافت، یعنی تفاوتی حدود ۲۱۰ میلیون تن که در واقع با ۱۴۰/۳٪ افزایش جمعیت در این منطقه روبرو خواهیم شد.

در مقایسه‌ای کوتاه با اروپا که با کاهش جمعیت روبروست، مشخص می‌شود که اروپا در سال ۲۰۰۰ جمعیتی حدود ۷۲۰ میلیون داشته و در سال ۲۰۵۰ پیش‌بینی می‌شود که ۶۵۰ میلیون تن کاهش یابد. تفاوت جمعیت در اروپا حدود ۷۰ میلیون تن، یعنی ۹/۸٪ خواهد بود در حالیکه خاورمیانه ۱۴۰٪ افزایش جمعیت خواهد داشت. چنانچه به هرم جمعیتی خاورمیانه نگاه کنیم، هنگامی که از پایین یعنی جایی که مرحله نوزادی شروع می‌شود به بالاتر یعنی به جایی که نیروی کار است برویم - سنین میان ۲۰ تا ۵۰ سال - این هرم بیشترین حالت یا بزرگترین بخش را دارد و هرم در سنین بالای ۵۰ و ۶۰ سال بسیار کمتر از میانه هست. یعنی فشار بر روی بخش میانی یعنی همان قشر اصلی که نیروی کار جامعه را تشکیل می‌دهد بسیار کم است، در حالیکه در اروپا این هرم درست برعکس شده است. یعنی آنجا که نیروی کار است - بین ۲۰ تا ۵۰ سال - هرم بسیار نازکتر و کوتاه‌تر از قسمتی از هرم است که به سنین بالای پنجاه و شصت می‌رسد.

این مسئله دو عامل اساسی را در اقتصاد تشکیل می‌دهد: یکی آنکه وقتی نیروی کار جوان داشته باشید، نیروی کار وجود دارد و همیشه در دسترس است، دوم آنکه مصرف جامعه بالا می‌رود و چون نیروی جوان میل به مصرف بسیار بالاتر و بیشتر از نیرویی است که در سنین بالا هستند. به طور متوسط کسی که در سنین بالای ۵۵ سالگی قرار دارد چنانچه اتومبیلی خریداری نماید بر اساس برآورد آماری بیش از ۱۰ سال ننگه می‌دارد ولی یک شخص ۳۰ ساله یک اتومبیل را برای ۲ تا ۳ سال ننگه می‌دارد. یعنی تنوع و میل به مصرف در نیروی جوان بسیار بالا است و این چیزی است که تولید به آن نیاز دارد. یعنی در خاورمیانه (و ایران) از یکسو نیروی کار زیاد داریم که می‌تواند تولید کند از سوی دیگر همین نیروی جوان مصرف کنندگان خوبی می‌باشند، و این مسئله در اروپا برعکس است.

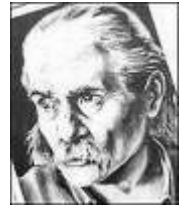
آن چه به عنوان بحران اقتصادی مطرح هست یکی همین مصرف است. البته دلیل دیگری هم وجود دارد و آن تقسیم مجدد جهانی کار، که در واقع موقعیت جدیدی را بوجود آورده است می‌باشد. در نتیجه اگر از این عامل بدرستی استفاده شود نه تنها موتور اقتصادی بلکه موتور کل جامعه به حرکت در خواهد آمد.

متأسفانه بدلیل مدیریت‌های غلط و سیستم‌های استبدادی که در این جوامع وجود دارند، می‌بینیم که خاورمیانه چقدر از غافلگی جهانی عقب مانده است. مسئله دیگر، انرژی است که یکی از مسائل اساسی و مهم دنیای امروز می‌باشد. ۶۱٪ نفت و ۳۹٪ گاز جهان در ۶ کشور کناره خلیج فارس یعنی ایران، عربستان سعودی، عراق، کویت، امارات متحده عربی و قطر وجود دارد.

ایران از نظر منابع نفت و گاز در جهان مقام دوم را داراست، یعنی ۱۱/۱٪ نفت و ۱۵/۳٪ گاز جهان در ایران قرار دارد. البته منابع گازی شناخته شده در دریای خزر و خلیج فارس (مقابل آبهای قَطَر) در این محاسبه نیامده‌اند. نظر کارشناسان بر این است که منابع گازی بیشتری در ایران وجود دارد که باید کشف بقیه در ص ۲

زنده یاد مهدی اخوان ثالث

فریاد



خانه ام آتش گرفته ست، آتشی جانسوز،
هر طرف می سوزد این آتش،
پرده ها و فرش ها را، تارشان با پود،
من به هر سو می دَوَم گریان،
در لهیب آتش پُر دود؛

وز میان خنده هایم، تلخ،
و خروش گریه ام، ناشاد،
از درون خسته سوزان،
میکنم فریاد، ای فریاد، ای فریاد!

خانه ام آتش گرفته است، آتش بیرحم،
همچنان می سوزد این آتش،
نقشهایی را که من بستم بخون دل،
بر سر و چشم در و دیوار
در شب رسوای بی ساحل

وای بر من، سوزد و سوزد
غنچه هایی را که پروردم بدشواری،
در دهان گود گلدانها،
روزهای سخت بیماری،

از فراز بامهاشان شاد،
دشمنانم موذبانه خنده های فتحشان بر لب،
بر من آتش بجان ناظر،
در پناه این مشبک شب،

من بهر سو میدوم، گریان از این بیداد،
میکنم فریاد، ای فریاد، ای فریاد!

وای بر من، همچنان می سوزد این آتش
آنچه دارم یادگار و دفتر و دیوان،
و آنچه دارد منظر و ایوان.

من بدستان پر از تاول
این طرف را می کنم خاموش،
وز لهیب آن روم از هوش،
زان دگر سو شعله برخیزد، بگردش دود،
تا سحرگاهان، که میداند، که بود من شود نابود.
خفته اند این مهربان همسایگانم شاد در بستر،
صبح از من مانده بر جا مشت خاکستر،
وای، آیا هیچ بر میکنند از خواب،
مهربان همسایگانم از پی امداد؟
سوزدم این آتش بیداد گر بنیاد،
میکنم فریاد، ای فریاد! ای فریاد!

وحشت سردمداران جمهوری اسلامی ...
بقیه از ص ۵
اقتصادی داشته باشند، در اینکه جمهوری اسلامی
نی بایست به جنگ افزار هسته ای مسلح گردد هم
عقیده و هم رأی می باشند و به امکان زیاد در شورای
امنیت به تحریم علیه جمهوری اسلامی رأی داده و یا
دست کم با آن مخالفت نخواهند کرد. افزون بر
تصمیم های شورای امنیت، امکان برخورد نظامی میان
آمریکا به تنهایی یا همراه با اسرائیل با جمهوری اسلامی
وجود دارد.

می توان به این نتیجه رسید که سران جمهوری
اسلامی تصمیم دارند برای بقای نظام در نبود یک
اپوزیسیون قدرتمند آزادیخواه که دنیای پیشرفته روی
آن حساب کند، خود وارد معامله و زد و بندهای سیاسی و
اقتصادی با آنها گردند.

از آنجا که دولت های پیشرفته بیشتر در پی کسب
منافع اقتصادی و سیاسی خود هستند تا در پی آزادی
مردم و استقرار دموکراسی در ایران، این سیاست به امکان
زیاد در شرایط کنونی می تواند بسود بقای نظام و به زیان
حرکت آزادیخواهی مردم تمام شود.

پیرامون کنار آمدن با غرب به ویژه آمریکا هر یک از
جناح های حاکمیت تلاش می کند که حمایت این
قدرت ها را نسبت به خود جلب نماید. خاتمی در آمریکا
می کوشد حمایت این کشور را نسبت به جناح
اصلاح طلب در برابر تندروها بدست آورد و نماینده
احمدی نژاد در پاریس می خواهد نشان دهد که این جناح
آنهاست که در جمهوری اسلامی حرف آخر را می زند.
احمدی نژاد و جناح وابسته به او می کوشند تا ضمن ارائه
پیشنهاد های قابل قبول به غرب، آنرا به جای آمریکا به
ژاک شیراک ارائه کند تا این بزرگترین حامی جمهوری
اسلامی در اروپا را از خود راضی نگاه دارد. ■

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در

نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.

راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:

www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه

جبهه ملی ایران

خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر

هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون - مهدوی و
دکتر امیر هوشمند ممتاز هر ماه یک بار در خارج از
کشور انتشار می یابد

نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران
خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

آزادی دین، زبان و بیان عقیده اصل جدایی ناپذیر پیشرفت و تجدد است